

مقایسه جهت‌گیری مذهبی، عوامل شخصیتی و رضایت از زندگی در میان دانشجویان و طلاب شهر قم

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۸

جعفر هوشیاری^۱ / امین رحمتی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه جهت‌گیری مذهبی، عوامل شخصیتی و رضایت از زندگی در میان دانشجویان و طلاب به روش پس‌رویدادی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان و طلاب ساکن شهر قم است. بدین منظور ۹۱۱ نفر از آنان به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد و پرسش‌نامه‌های جهت‌گیری دینی (هیل، ۱۹۹۹)، شخصیت (گلدبرگ، ۱۹۹۹) و رضایت از زندگی (دینر، ۱۹۸۵) را تکمیل کردند. داده‌ها توسط شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و آزمون تحلیل واریانس یک و چند متغیر و با کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد: در جهت‌گیری مذهبی کل، و در زیرمقیاس‌های درونی و فردی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی بیشتر از نمره پاسخ‌گویان دانشگاهی است. در زیرمقیاس جهت‌گیری برونی اجتماعی، نمره دو گروه پاسخ‌گویان دانشگاهی و حوزوی با هم برابر و نمره پاسخ‌گویان حوزوی-دانشگاهی از آن دو گروه بیش‌تر است. در عوامل شخصیت نمره زیرمقیاس برون‌گرایی در سه گروه پاسخ‌گویان تفاوت معنی‌داری ندارد. نمره زیرمقیاس توافق در پاسخ‌گویان حوزوی بیشتر از پاسخ‌گویان دانشگاهی است. نمره سه زیرمقیاس وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و گشودگی به تجربه در گروه‌های حوزوی و حوزوی-دانشگاهی از گروه دانشگاهی بیشتر است. گرچه نمره پاسخ‌گویان حوزوی در رضایت از زندگی بیشتر از دو گروه دیگر است اما تفاوت‌ها معنادار نیست.

کلید واژگان: جهت‌گیری مذهبی، عوامل شخصیتی، رضایت از زندگی، دانشجویان و طلاب.

۱. دانش‌پژوه دکترای قرآن و روانشناسی و استاد همکار مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه.

j.houshyari@yahoo.com

rahmaty2000@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی مؤسسه اخلاق و تربیت قم، (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

یکی از شاخص‌های سلامت روانی، رضایت از زندگی^۱ است (حمیدی، ۱۳۹۳، بخش‌ای، ۱۳۹۵) و تحقیقات بسیاری رابطه معنادار بین سلامت روانی و رضایت از زندگی را نشان می‌دهند (پرانک^۲، ۲۰۱۶، دیوریمسی^۳ و همکاران، ۲۰۰۰؛ سافرن^۴ و دیگران، ۲۰۰۵؛ بیرامی و قلی‌زاده، ۱۳۹۱). دینر^۵ (۲۰۰۰) رضایت از زندگی را جامع‌ترین ارزیابی فرد از کیفیت زندگی خود می‌داند. پرسون^۶ و چاچرودی^۷ (۲۰۱۶) معتقدند رضایت از زندگی، جزء شناختی به‌زیستی فاعلی^۸ است. اگرچه رضایت از زندگی به کیفیت زندگی، تأمین نیازها و در دسترس بودن اهداف بستگی دارد، در تمامی این موارد ملاک‌های شخصی فرد در ارزیابی او مؤثر است. از این رو افراد هنگامی سطوح بالای رضایت از زندگی را تجربه می‌کنند که شرایط زندگی آنها با ملاک‌هایی که خود تعیین کرده‌اند مطابقت داشته باشد (دلاحیج^۹ و دیگران، ۲۰۱۰؛ بخش‌ای، ۱۳۹۵). بنابراین عوامل شخصیتی و باورهای دینی نقش به‌سزایی در تعیین ملاک‌های فرد و در نتیجه، میزان رضایت وی از زندگی دارند.

از دیرباز نزاع مهمی پیرامون نقش دین در به‌زیستی فرد و جامعه مطرح بوده است که آیا دین تسهیل‌کننده سلامت روان یا مانع آن است (آقابابایی، ارجی، بلجنیو، ۱۳۹۳). یکی از مسیرهای حل این مناقشه، نظریه جهت‌گیری دینی^{۱۰} است. به گفته‌ی آلپورت^{۱۱}، انگیزه‌های متفاوت دین‌داران موجب سطوح مختلف دین‌داری می‌شود؛ دین‌داری نابالغ (برونی) با سلامت روان رابطه منفی و دین‌داری بالغ (درونی) با سلامت روان رابطه‌ی مثبت دارد. وی تأکید می‌کند در جهت‌گیری دینی درونی، خود دین، هدف است و فرد ارزش‌ها و آموزه‌های دینی را درونی می‌کند، در حالی‌که در جهت‌گیری دینی برون‌ی، دین ابزاری برای رسیدن به هدف‌های دیگر همچون آرامش، امنیت، مقام و موقعیت اجتماعی است (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). هیل^{۱۳} (۱۹۹۹)

- 1 . life satisfaction
- 2 . Pronk
- 3 . Devrimci-Ozguven
- 4 . Safren
- 5 . Diener
- 6 . Rituparna Prasoon
- 7 . K R Chaturvedi
- 8 . subjective well-being
- 9 . Delahajj
- 10 . religious orientation
- 11 . Allport
- 12 . G. W. & M. Ross
- 13 . Hill, P. C

جهت‌گیری برونی را به دو بخش جهت‌گیری دینی برونی فردی^۱ و جهت‌گیری دینی برونی اجتماعی^۲ تفکیک کرد. جهت‌گیری برونی فردی، دین‌داری با اهداف شخصی مانند آرامش و آسایش است و جهت‌گیری برونی اجتماعی با اهداف اجتماعی مانند دوست‌یابی است.

پژوهش میرخان چریک آباد (۱۳۹۳) نشان داد که بین نگرش دینی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. در این پژوهش از مقیاس نگرش دینی خدایاری فرد استفاده شده بود. نتایج پژوهش ابراهیمی و میرزاحسینی (۱۳۹۳) بر ۳۷۶ زن مجرد و متأهل نشان داد که در زنان مجرد جهت‌گیری دینی درونی و برونی با رضایت از زندگی رابطه‌ی معناداری ندارد. حسین دخت و همکاران (۱۳۹۲) رابطه‌ی بین معنویت، کیفیت زندگی و رضایت زناشویی را مثبت معنادار گزارش کردند. نتایج تحقیق کوثری (۱۳۸۷)، کوینگ و همکاران (۱۹۹۷)، ویتز^۳ و همکاران (۱۹۸۵)، موسوی (۱۳۷۴) و حیدری (۱۳۸۲) نشان داد بین دین‌داری و رضامندی از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. کمری سنقرآبادی و فتح‌آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی بر ۲۴۴ دانشجو نشان دادند رضایت از زندگی و جهت‌گیری درونی رابطه معنادار دارد. در این پژوهش از مقیاس جهت‌گیری دینی آلپورت استفاده شده بود. با توجه به نتایج متناقض این پژوهش‌ها و مقیاس‌هایی که در این پژوهش‌ها به کار رفته است، مناسب است با استفاده از مقیاس جهت‌گیری دینی بازنگری شده هیل (۱۹۹۹) رابطه جهت‌گیری دینی و رضایت از زندگی در دو نمونه‌ی متفاوت بررسی شود. با توجه به متن گویه‌ها و دستورات اجتماعی دین اسلام، به نظر می‌رسد سنجش جهت‌گیری درونی و برونی، دو سطح دین‌داری را نشان نمی‌دهد، بلکه دو گونه دین‌داری در تعامل با شخصیت را معرفی می‌کند و مناسب است نمره کل جهت‌گیری دینی که حاصل جمع تمام نمرات است، لحاظ شود. بنابراین یکی از ضرورت‌ها و اهداف نوشتار حاضر بررسی همین موضوع است.

می‌توان سازوکار تأثیر دین‌داری در رضایت از زندگی را در ۵ حوزه کلی دسته‌بندی کرد: (۱) هدف و معنای زندگی، (۲) لذت‌های معنوی «انس و مناجات با خدا»، (۳) زهد و دل‌نبستن به دنیا «واقعیت‌شناسی دنیا»، (۴) نگرش مثبت معنوی و (۵) جلب حمایت اجتماعی.

(۱) **هدف و معنای زندگی:** در اسلام تقرب به خدای تعالی، تکامل روح و بهره‌مندی از جلوه‌های

1. extrinsic-personal

2. extrinsic-social

3. Witter

ربوبی در آخرت، والاترین هدف فعلی انسان است. از سوی دیگر، تمامی انسان‌ها نیاز به شناخت مبدأ، معنای زندگی و نقش آدمی در جهان هستی را حس کرده‌اند (ابراهیمی و میرزاحسینی، ۱۳۹۳). دین با پاسخ‌گویی به این نیازهای بنیادین، به زندگی آدمی معنا می‌دهد. درک معنای زندگی، موجب زیست هدفمند و افزایش احساس ارزشمندی می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۳)، آدمی را از احساس پوچی رها می‌کند و رضایت از زندگی او را افزایش می‌دهد (پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

۲) لذت‌های معنوی: امام سجاد علیه السلام در مناجات محبین می‌فرماید: «خدایا، کیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و به سوی غیر تو رود؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۴۸)؛ در مقابل کسانی که از یاد خداوند غافل شده‌اند، زندگی سختی دارند (طه: ۱۲۴)، زیرا یاد خدا سبب آرامش است (عد: ۲۸). مؤمنان به واسطه لذت‌های معنوی، رضایت از زندگی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. روان‌شناسان، معنویت و دین‌داری را تحت عنوان هوش معنوی مفهوم‌سازی کرده‌اند (شهرابی فراهانی و فرح‌بخش، ۱۳۹۱) و پژوهش‌های زیادی ارتباط هوش معنوی و رضایت از زندگی را نشان داده‌اند (عبد یوسفخانی و اکبری امرغان، ۲۰۱۴).

۳) زهد و دل‌ن بستن به دنیا: آموزه‌های اسلامی دنیا را مزرعه و پلی به سوی آخرت و منزلی در میانه راه معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۸). چنین نگرشی باعث افزایش سازگاری می‌شود. سازگاری فرآیندی مستمر است که حاصلش واکنش مناسب به محیط و در عین حال، تغییر دادن آن به گونه‌ای سالم و مؤثر است. فرد سازگار نسبت به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود و محیط واقع‌بین است و هدف قابل دسترسی برای خود انتخاب می‌کند (تاج‌آبادی هرات، ۱۳۹۱). همین موجب افزایش رضایت از زندگی می‌شود.

۴) نگرش مثبت معنوی: آموزه‌های معنوی دینی یک نگرش منسجم، هدفمند و مثبت نسبت به زندگی ایجاد می‌کند. از این رو، فرد در مواجهه با رویدادهای منفی، یک بعد معنوی به مسأله می‌دهد و آن را به مثابه فرصتی برای تقرب به خدا، مفهوم‌سازی می‌کند (پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۸). مؤمن به پشتیبانی خدا باور دارد و احساس توانمندی می‌کند (توبه: ۱۲۹). در نتیجه، هنگام مشکلات احساس معنا از یک سو و توکل به خدا از سوی دیگر، موجب تقویت تاب‌آوری مؤمن می‌شود. تاب‌آوری در مقابل مشکلات نیز، افزایش رضایت از زندگی را به دنبال می‌آورد (بیرامی و همکاران، ۲۰۱۳).

۵) **جلب حمایت اجتماعی:** پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دین‌داری بالغ و سالم به رفتارهای مثبتی هم چون کمک به دیگران (اوسلانرا، ۲۰۰۲؛ لم، ۲۰۰۲)، گذشت (دیویس ۳ و همکاران، ۲۰۱۳؛ گرساچ و هائو، ۱۹۹۳) و قدردانی (آقابابایی، فراهانیوتیک، ۱۳۹۱)، دامن می‌زند. به نظر می‌رسد چنین رفتارهایی با بهبود روابط بین فردی، موجب افزایش رضایت از زندگی می‌شود. پژوهش‌هایی که به بعد معنوی رضایت از زندگی توجه داشته‌اند، بر نقش کیفیت روابط بین فردی مؤمنان در رضایت زندگی تأکید کرده‌اند (جایچاندن و برانچ، ۲۰۱۶).

یکی از اهداف پژوهش حاضر، مقایسه «عوامل شخصیتی» در میان دانش‌جویان و طلاب است. بر اساس نظریه صفات، عناصر اصلی شخصیت انسان، آمادگی‌های زیستی یا همان صفات هستند که از آنها به عوامل شخصیت تعبیر می‌شود. این عناصر پایدار در تعامل با محیط موجب می‌شوند که فرد به شیوه خاصی به محرک‌ها واکنش نشان دهد (فیست و فیست، ۲۰۰۸، ص ۱۲). پژوهش‌ها گزارش کرده‌اند که جهت‌گیری دینی با عوامل شخصیت (رستمی، هاشمی و علی‌لو، ۱۳۹۲؛ وحدانی، تنهای، روحانی و مهدیان، ۱۳۹۳؛ شبیانی، نریمانی و محرمی، ۱۳۹۴)، و عوامل شخصیت با رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری دارند (عسگری، حافظی و جمشیدی، ۱۳۸۹؛ تمنایی فرو و منصور نیک، ۱۳۹۳؛ خدابخش پیرکلانی، کلانی و پیوسته‌گر، ۱۳۹۳). مقایسه عوامل شخصیتی و رضایت از زندگی در جوامعی که از نظر کیفیت و کمیت جهت‌گیری مذهبی تفاوت دارند، یکی از راه‌های تأیید یا رد نتایج تحقیقات مذکور است. چرا که اگر این نتایج به واقعیت نزدیک باشند، باید نمونه با کیفیت جهت‌گیری مذهبی مطلوب‌تر، در عوامل شخصیتی و رضایت از زندگی، معدل بالاتری داشته باشد.

در سال‌های اخیر تحقیقات بسیاری در زمینه معنویت، جهت‌گیری مذهبی و سایر متغیرهای روان‌شناختی در نمونه‌های تحصیل کرده انجام شده است. تعدادی از آن‌ها به مقایسه دانش‌جویان و طلاب در متغیرهای مختلف پرداخته، و کیفیت و کمیت جهت‌گیری مذهبی دانش‌پژوهان علوم دینی (طلاب) را در حد بالا و مطلوب‌تری گزارش کرده‌اند (رک: هوشبازی، صفورایی و نیوشا، ۱۳۹۴). برای تدوین بهتر فرضیات پژوهش حاضر، به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

علیانسب (۱۳۸۹) رابطه دین‌داری با اضطراب مرگ در بین دانش‌جویان و طلاب را بررسی و ایشان را در متغیرهای مذکور مقایسه کرده است. نتایج نشان داد کیفیت دلبستگی طلاب

- 1 . Uslaner
- 2 . Lam
- 3 . Davis
- 4 . Gorsuch & Hao

منطقی‌تر از دانش‌جویان است. محقق علت این یافته را نوع تحصیلات حوزوی و آشنایی کامل تر طلاب با مفاهیم دینی و شناخت بهتر خداوند بیان می‌کند. این نتیجه با ادعای کرک پاتریک^۱ که رفتارهای مذهبی را حاکی از دل‌بستگی ایمن به خدا می‌داند، قابل توجیه است؛ زیرا فراوانی این رفتارها در طلاب بیشتر از سایر اقشار جامعه، همچنین دانشجویان است. نتایج تحقیق آقابابایی، فراهانی و فاضلی مهرآبادی (۱۳۸۹) نشان داد نمره‌های طلاب در مقیاس قدردانی به طور معناداری از دانش‌جویان بالاتر است. یافته‌های تحقیق کوثری (۱۳۸۷) همسو با موسوی (۱۳۷۴) و حیدری (۱۳۸۲) نشان داد سطح دینداری طلاب بالاتر از دانش‌جویان است. رجبی (۱۳۸۲) نیز تفاوت معنادار بین نگرش دانش‌جویان و طلاب به حجاب را گزارش کرده است (به نقل از کوثری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). طبق تحقیق باقریان (۱۳۷۹) بین نوع تحصیلات و بازخورد به حقوق زن رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بدین معنا که بازخورد طلاب به حقوق زن مثبت‌تر از دانشجویان است. نویسنده عامل اساسی این تفاوت در بازخورد را تفاوت در نوع شناخت و تحصیلات می‌داند. جانسون و همکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه دست یافتند که افراد با سطوح بالاتر تعهدات مذهبی دو برابر شادتر و سالم‌تر از افراد با سطوح پایین‌تر از تعهدات مذهبی بودند. اکبری (۱۳۸۲) رابطه دنیاگرایی و سلامت روان دانش‌پژوهان علوم دینی و دانشجویان را بررسی و مقایسه کرده است. نتایج نشان داد رابطه دنیاگرایی با سلامت روان منفی و با نوع تحصیلات مثبت و معنادار است که حکایت از بالاتر بودن دنیاگرایی دانشجویان در مقایسه با طلاب و بالاتر بودن سلامت روان شناختی طلاب دارد. نتایج تحقیق رحمانی (۱۳۷۹) نیز نشان داد سطح اضطراب در طلاب به طور معناداری کمتر از دانش‌آموزان عادی است.

با بررسی پیشینه مذکور مشخص شد اگرچه در تحقیقات پراکنده برخی از متغیرها با هم بررسی شده‌اند، اما پژوهش مستقل و مفصلی که رابطه سه متغیر فوق را همزمان در جامعه و نمونه خاص مورد مطالعه قرار داده باشد، وجود ندارد. از سوی دیگر، نوع جامعه (حوزوی، دانشگاهی و حوزوی - دانشگاهی)، حجم نمونه (۹۱۱ نفر) و مقایسه گروه‌های پاسخگو در متغیرها و تمام مؤلفه‌های آنها، و همچنین توجه به کیفیت جهت‌گیری مذهبی، از نوآوری‌های دیگر این پژوهش است. اهمیت تعیین کیفیت و کمیت جهت‌گیری مذهبی، عوامل شخصیتی و رضایت از زندگی در دانشجویان و طلاب به عنوان اقشار مؤثر و آینده‌سازان

1 . Kirk Patrick

جامعه، کمبود پژوهش‌های بررسی همبستگی و مقایسه آن سه متغیر در دانشجویان و طلاب از ضرورت‌های این پژوهش است. نتایج این پژوهش می‌تواند اهمیت بنیادین معنویت و جهت‌گیری مذهبی، ضرورت پرداختن بیش از پیش به معنویت و تعلیم و تربیت دینی در حوزه و دانشگاه، عملیاتی‌سازی آموزه‌های اسلام و هم‌چنین برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن‌ها را نمایان سازد.

بر اساس مباحث نظری مطرح شده و پیشینه موجود می‌توان انتظار داشت در هر نمونه‌ای که کیفیت و کمیت معنویت و جهت‌گیری مذهبی بالا و مطلوب‌تر است، میانگین نمره رضایت از زندگی و عوامل شخصیتی نیز به صورت معناداری بالا باشد. بنابراین تفاوت دانشجویان و طلاب در متغیرهای مذکور دور از انتظار نخواهد بود.

۲. فرضیه‌های پژوهش

۱) بین جهت‌گیری مذهبی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی- دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

۲) بین عوامل شخصیتی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی- دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

۳) بین میزان رضایت از زندگی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی- دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

۳. روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری تمامی طلاب و دانشجویان ساکن شهر قم بودند. حجم جامعه‌ی مورد مطالعه بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر بود. با توجه به نوع پژوهش و تعداد متغیرهای مورد مطالعه و حجم جامعه، بنابر ساختار برآورد نمونه کوکران، تعداد ۳۹۰ نفر برای نمونه کافی است. اما براساس شیوه نمونه‌گیری که در دسترس بود، برای افزایش دقت پژوهش، ۹۱۱ نفر از جامعه آماری برای نمونه انتخاب شدند که براساس نوع تحصیلات، ۴۸۳ دانشجو، ۲۷۳ طلبه و ۱۴۹ طلبه دانشگاهی و براساس جنسیت، ۴۳۷ زن و ۴۷۴ مرد و در مقطع سنی ۱۷ تا ۴۲ سال بودند. افراد پرسش‌نامه‌های جهت‌گیری دینی هیل (۱۹۹۹)، شخصیت گلدبرگ (۱۹۹۹) و رضایت از زندگی دینر (۱۹۸۵) را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌های

جمع‌آوری شده، شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی و آزمون تحلیل واریانس یک و چندمتغیره با کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴. ابزار پژوهش

در این پژوهش از مقیاس‌های جهت‌گیری دینی هیل (۱۹۹۹)، شخصیت گلدبرگ (۱۹۹۹) و رضایت از زندگی دینر (۱۹۸۵) استفاده شد.

مقیاس تجدیدنظر شده جهت‌گیری مذهبی^۱ (هیل، ۱۹۹۹): این پرسش‌نامه‌ی ۱۴ گویه‌ای که برگرفته از مقیاس آلپورت و راس (۱۹۶۷) است، دین‌داری را در چارچوب سه مؤلفه جهت‌گیری دینی درونی^۲، جهت‌گیری دینی برونی فردی و جهت‌گیری دینی برونی اجتماعی می‌سنجد. شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از عمدتاً مخالف (۱) تا عمدتاً موافق (۵) پاسخ می‌دهند. پایایی این مقیاس مناسب و قابل مقایسه با مقیاس اصلی است. این نسخه کوتاه، قابلیت کاربرد در افراد با سطوح مختلف تحصیلی را دارد. نسخه فارسی این مقیاس را قربانی، واتسن، قراملکی، موریس و هود^۳ (۲۰۰۲) طی روند استاندارد ترجمه و هنجاریابی کردند. پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ، ۰/۵۹ تا ۰/۸۴ به دست آمده است (آقابابایی و بلچنیو، ۲۰۱۴).

مقیاس پنج عامل بزرگ شخصیت گلدبرگ^۴ (۱۹۹۹): این مقیاس، نسخه کوتاه و بیست گویه‌ای مقیاس پنج عامل بزرگ شخصیت گلدبرگ (۱۹۹۹) است. در این مقیاس هر یک از عامل‌های پنج‌گانه گلدبرگ با چهار گویه سنجیده می‌شوند. این پنج عامل عبارت‌اند از برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی، و گشودگی به تجربه (تجربه‌پذیری). بررسی‌ها حکایت از پایایی باآزمایی، واگرا، و همگرا و اعتبار سازه این مقیاس داشته است که قابل مقایسه با دیگر مقیاس‌های پنج عاملی است (دونلان، اوسفالد، برد و لوکاس، ۲۰۰۶). نسخه فارسی مقیاس نیز دارای روایی و پایایی رضایت بخشی است (آقابابایی، ۱۳۸۹ و ۲۰۱۲).

مقیاس رضایت از زندگی^۵: این مقیاس توسط دینرو همکاران (۱۹۸۵) ساخته شد. مقیاس رضایت از زندگی، جنبه شناختی شادکامی را می‌سنجد. در حقیقت این مقیاس نشان

1 . Religious Orientation Scale-Revised

2 . intrinsic

3 . Ghorbani, N. ; P. J. Watson; A. F. Gharamaleki; R. J. Morris & R. W. Hood

4 . Mini-International Personality Item Pool-Big Five

5 . Satisfaction With Life Scale(SWLS)

می دهد که شرکت کنندگان تا چه اندازه از زندگی خود راضی اند و تا چه اندازه زندگی خود را به آن زندگی آرمانی که برای خویش در نظر گرفته اند نزدیک می دانند. این مقیاس دارای پنج گویه است و افراد بر روی یک مقیاس لیکرت هفت درجه ای میزان رضایت خود را از زندگی درجه بندی می کنند. نمرات گویه ها سپس با هم جمع می شوند تا سطح کل رضایت از زندگی فرد تعیین شود. بنابراین نمرات این مقیاس بین ۵ تا ۳۵ متغیر است. دینرو و همکاران (۱۹۸۵)، ضریب بازآزمایی مقیاس را در یک فاصله دو ماهه ۰/۸۲ و ضریب همسانی درونی مقیاس را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ به دست آوردند. این محققان هم چنین در یک تحلیل عاملی پی بردند که کلیه گویه های مقیاس بر روی یک عامل قرار دارند که این تک عامل ۰/۶۶ واریانس مربوطه را تبیین می کند. در پژوهشی که به دست بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) بر روی یک جمعیت ۱۰۹ نفری از دانشجویان انجام گرفت، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۸۳، ضریب پایایی با استفاده از روش دو نیمه کردن برابر ۰/۷۵ و با روش بازآزمایی یک ماهه برابر ۰/۶۹ به دست آمد. روایی سازه مقیاس رضایت از زندگی از طریق روایی همگرا با استفاده از پرسش نامه شادکامی اکسفورد و پرسش نامه افسردگی بک برآورد شد. این مقیاس هم بستگی مثبت با پرسش نامه شادکامی اکسفورد و هم بستگی منفی با پرسش نامه افسردگی بک نشان داد. این مقیاس برای سنجش میزان رضایت از زندگی به کار گرفته شد.

۵. یافته های پژوهش

بر اساس نتایج تحقیق ۲۴ درصد از پاسخ گویان کمتر از ۲۰ سال سن داشته اند، ۵۸/۱ درصد، بین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۱۶/۱ درصد، بین ۳۰ تا ۳۹ سال و سن ۱/۸ درصد پاسخ گویان ۴۰ سال و بالاتر بوده است. میانگین سنی پاسخ گویان ها ۲۳/۸ سال با انحراف معیار ۵/۶ است. به لحاظ جنسیت ۵۲ درصد پاسخ گویان را مردان و ۴۸ درصد را زنان تشکیل داده اند. بر حسب مقطع تحصیلی پاسخ گویان، ۲۶/۸ درصد سطح یک یا فوق دیپلم، ۵۰/۳ درصد کارشناسی و سطح دو حوزه، ۱۹/۶ درصد کارشناسی ارشد و سطح سه حوزه و ۳/۴ درصد، سطح چهار یا دکتری بودند. از نظر نوع تحصیل، ۳۰/۲ درصد پاسخ گویان در مراکز حوزوی، ۵۳/۴ درصد در مراکز دانشگاهی و ۱۶/۵ درصد در مراکز آموزشی حوزوی - دانشگاهی، تحصیل کرده اند.

جدول ۱: آمارهای توصیفی پاسخ‌گویان

متغیر	مقادیر متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
سن	کمتر از ۲۰ سال	۲۱۲	۲۳/۳٪	۲۴/۰٪
	بین ۲۰ تا ۲۹ سال	۵۱۳	۵۶/۳٪	۵۸/۱٪
	بین ۳۰ تا ۳۹ سال	۱۴۲	۱۵/۶٪	۱۶/۱٪
	۴۰ سال و بیش‌تر	۱۶	۱/۸٪	۱/۸٪
	بی‌پاسخ	۲۸	۳/۱٪	-
مقطع تحصیلی	سطح یک یا فوق دیپلم	۲۱۲	۲۳/۳٪	۲۶/۸٪
	سطح دو یا کارشناسی	۳۹۸	۴۳/۷٪	۵۰/۳٪
	سطح سه یا کارشناسی ارشد	۱۵۵	۱۷/۰٪	۱۹/۶٪
	سطح چهار یا دکتری	۲۷	۳/۰٪	۳/۴٪
	بی‌پاسخ	۱۱۹	۱۳/۱٪	-
نوع تحصیل	حوزوی	۲۷۳	۳۰/۰٪	۳۰/۲٪
	دانشگاهی	۴۸۳	۵۳/۰٪	۵۳/۴٪
	حوزوی دانشگاهی	۱۴۹	۱۶/۴٪	۱۶/۵٪
	بی‌پاسخ	۶	۰/۷٪	-
کل	۹۱۱	۱۰۰/۰٪	۱۰۰/۰٪	

فرضیه اول: بین جهت‌گیری مذهبی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی جهت‌گیری مذهبی به تفکیک گروه پاسخ‌گویان

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آزمون شاپیرو ویلک	سطح معنی‌داری
جهت‌گیری مذهبی کل	حوزوی	۵۵/۶	۶/۱۱	۰/۰۷	۰/۰۱۸
	دانشگاهی	۴۷/۸	۸/۷۹	۰/۰۵	۰/۰۴۲
	حوزوی دانشگاهی	۵۴/۸	۶/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۰۸
جهت‌گیری درونی	حوزوی	۳۴/۸	۴/۱۰	۰/۱۵	۰/۰۰۰
	دانشگاهی	۲۸/۳	۵/۴۰	۰/۰۸	۰/۰۰۰
جهت‌گیری بیرونی اجتماعی	حوزوی دانشگاهی	۳۳/۹	۳/۸۴	۰/۰۹	۰/۰۰۸
	حوزوی	۸/۴	۳/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۰۰
	دانشگاهی	۸/۲	۲/۸۰	۰/۱۰	۰/۰۰۰
جهت‌گیری بیرونی فردی	حوزوی دانشگاهی	۹/۳	۲/۶۹	۰/۱۰	۰/۰۰۵
	حوزوی	۱۲/۵	۲/۱۴	۰/۱۳	۰/۰۰۰
	دانشگاهی	۱۱/۳	۲/۶۵	۰/۱۲	۰/۰۰۰
حوزوی دانشگاهی	۱۱/۷	۲/۳۰	۰/۱۳	۰/۰۰۰	

اطلاعات جدول ۲، آمارهای توصیفی زیرمقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی را به تفکیک گروه

پاسخ‌گویان و آزمون نرمال بودن توزیع نمره‌ها (شاپیرو ویلک) را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری آزمون شاپیرو ویلک نشان می‌دهد فرض نرمال در هر سه زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی رعایت نشده است.

جدول ۳: شاخص‌های آزمون چند متغیره MANOVA

اثرات	مقدار اثر فیلائی	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذوراتا
گروه	۰/۴۵۸	۱۱۲/۲۲۹	۳/۰۰۰	۷۳۵/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴

نتایج مربوط به برابری ماتریس کواریانس نشان داد که شاخص M باکس به لحاظ آماری معنادار است. ($\text{Box's } M = 78/892, F = 6/527, P = 0/000$) در نتیجه، فرض برابری کواریانس‌ها برقرار نیست. از آن جایی که برخی از مفروضات مربوط به آزمون مقایسه میانگین چند متغیره برقرار نیست، به جای آماره لامبدای ویلکز، از آماره اثر فیلائی استفاده شد. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد اثر گروه‌ها معنادار است و ۳۱/۴ درصد ($\eta^2 = 0/314$) واریانس تغییر در ابعاد جهت‌گیری مذهبی توسط گروه‌ها تبیین می‌شود.

جدول ۴: مقایسه‌های زوجی (متغیرهای وابسته: زیرمقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی)

متغیرها	گروه (I)	گروه (J)	(I-J)	انحراف معیار	سطح معناداری
جهت‌گیری درونی	حوزوی	دانشگاهی	۶/۴۶۶*	۰/۴۰	۰/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	۰/۸۸۵۳	۰/۵۳	۰/۲۷۹
	دانشگاهی	حوزوی	-۶/۴۶۶*	۰/۴۰	۰/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	-۵/۵۸۱۵*	۰/۴۹	۰/۰۰۰
		حوزوی	-۰/۸۸۵۳	۰/۵۳	۰/۲۷۹
		دانشگاهی	-/۵۸۱۵*	۰/۴۹	۰/۰۰۰
جهت‌گیری بیرونی اجتماعی	حوزوی	دانشگاهی	۰/۱۶۴۶	۰/۲۴	۱/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	-۰/۸۵۸۹*	۰/۳۱	۰/۰۱۹
	دانشگاهی	حوزوی	-۰/۱۶۴۶	۰/۲۴	۱/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	-۱/۰۲۳۵*	۰/۲۹	۰/۰۰۱
		حوزوی	۰/۸۵۸۹*	۰/۳۱	۰/۰۱۹
		دانشگاهی	۱/۰۲۳۵*	۰/۲۹	۰/۰۰۱
جهت‌گیری فردی بیرونی	حوزوی	دانشگاهی	۱/۱۵۸۴*	۰/۲۰	۰/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	۰/۸۰۱۰*	۰/۲۷	۰/۰۰۹
	دانشگاهی	حوزوی	-۱/۱۵۸۴*	۰/۲۰	۰/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	-۰/۳۵۷۵	۰/۲۵	۰/۴۴۷
		حوزوی	-۰/۸۰۱۰*	۰/۲۷	۰/۰۰۹
		دانشگاهی	۰/۳۵۷۵	۰/۲۵	۰/۴۴۷

* $P \leq 0/05$

هر سه زیرمقیاس مرتبط با متغیر جهت‌گیری مذهبی به گروه پاسخ‌گویان وابسته است. در زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی و حوزوی-دانشگاهی، بیش‌تر از نمره پاسخ‌گویان دانشگاهی است؛ اما بین دو گروه پاسخ‌گویان حوزوی و حوزوی-دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد.

در زیرمقیاس جهت‌گیری بیرونی اجتماعی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی-دانشگاهی از نمره پاسخ‌گویان حوزوی و پاسخ‌گویان دانشگاهی، بیش‌تر است اما نمره دو گروه پاسخ‌گویان دانشگاهی و حوزوی با هم برابر است.

در زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی فردی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی از دو گروه دیگر بیش‌تر است اما بین دو گروه پاسخ‌گویان دانشگاهی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد. فرضیه دوم: بین عوامل شخصیتی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی عوامل شخصیتی به تفکیک گروه پاسخ‌گویان

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آزمون شاپیرو ویلک	سطح معناداری
برون‌گرایی	حوزوی	۱۲/۵	۳/۲۳	۰/۹۹	۰/۰۳۷
	دانشگاهی	۱۲/۶	۳/۲۲	۰/۹۸	۰/۰۰۱
	حوزوی-دانشگاهی	۱۱/۸	۳/۳۴	۰/۹۹	۰/۲۹۲
توافق	حوزوی	۱۵/۹	۲/۱۲	۰/۹۷	۰/۰۰۰
	دانشگاهی	۱۴/۸	۲/۵۸	۰/۹۸	۰/۰۰۰
	حوزوی-دانشگاهی	۱۵/۴	۲/۲۴	۰/۹۶	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	حوزوی	۱۶/۲	۲/۷۶	۰/۹۴	۰/۰۰۰
	دانشگاهی	۱۴/۵	۳/۰۱	۰/۹۷	۰/۰۰۰
	حوزوی-دانشگاهی	۱۵/۶	۲/۸۸	۰/۹۵	۰/۰۰۰
نبات هیجانی	حوزوی	۱۲/۹	۲/۸۹	۰/۹۹	۰/۰۳۹
	دانشگاهی	۱۲/۰	۲/۷۲	۰/۹۸	۰/۰۰۰
	حوزوی-دانشگاهی	۱۳/۲	۳/۱۳	۰/۹۸	۰/۱۰۳
گشودگی به تجربه	حوزوی	۱۴/۹	۲/۵۶	۰/۹۸	۰/۰۰۲
	دانشگاهی	۱۴/۱	۲/۶۱	۰/۹۸	۰/۰۰۰
	حوزوی-دانشگاهی	۱۵/۱	۲/۸۰	۰/۹۵	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۵ آمارهای توصیفی نمره‌های عوامل شخصیتی را به تفکیک گروه پاسخ‌گویان و آزمون نرمال بودن توزیع نمره‌ها (شاپیرو ویلک) نشان می‌دهد. سطح معناداری

آزمون شاپیرو ویلک نشان می دهد فرض نرمال در بسیاری از زیر مقیاس های عوامل شخصیت رعایت نشده است.

نتایج جدول نشان می دهد: میانگین نمره پاسخ گویان حوزوی در ۵ عامل شخصیت ۱۴/۴۸، پاسخ گویان دانشگاهی ۱۳/۶ و پاسخ گویان حوزوی - دانشگاهی ۱۴/۲۲ است.

جدول ۶: شاخص های آزمون چند متغیره MANOVA

اثرات	مقدار ویلکز لامبدا	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذوراتا
گروه	۰/۱۱۵	۱۶/۰۴۶	۵/۰۰۰	۶۹۹/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۳

نتایج مربوط به برابری ماتریس کواریانس نشان داد که شاخص M باکس به لحاظ آماری معنادار است ($F=1/68, P=0/012, Box's M=50/90$)؛ در نتیجه فرض برابری کواریانس ها برقرار نمی باشد. نتایج جدول ۶ نشان می دهد اثر گروه ها معنادار است و ۱۰/۳ درصد ($\eta^2 = 0/103$) واریانس تغییر در ابعاد عوامل شخصیتی توسط گروه های پاسخ گویان تبیین می شود.

جدول ۷: مقایسه های زوجی (متغیرهای وابسته: ابعاد عوامل شخصیتی)

متغیرها	گروه (I)	گروه (J)	(I-J)	انحراف معیار	سطح معناداری
برون گرایی	حوزوی	دانشگاهی	-۰/۰۹۵	۰/۲۸	۱/۰۰۰
		حوزوی - دانشگاهی	۰/۶۵۱	۰/۳۷	۰/۲۳۷
	دانشگاهی	حوزوی	۰/۰۹۵	۰/۲۸	۱/۰۰۰
		حوزوی - دانشگاهی	۰/۷۴۶	۰/۳۴	۰/۰۸۶
	حوزوی - دانشگاهی	حوزوی	-۰/۶۵۱	۰/۳۷	۰/۲۳۷
		دانشگاهی	-۰/۷۴۶	۰/۳۴	۰/۰۸۶
توافق	حوزوی	دانشگاهی	۱/۰۹۴*	۰/۲۱	۰/۰۰۰
		حوزوی - دانشگاهی	۰/۵۲۸	۰/۲۷	۰/۱۶۱
	دانشگاهی	حوزوی	-۱/۰۹۴*	۰/۲۱	۰/۰۰۰
		حوزوی - دانشگاهی	-۰/۵۶۶	۰/۲۵	۰/۰۷۳
	حوزوی - دانشگاهی	حوزوی	-۰/۵۲۸	۰/۲۷	۰/۱۶۱
		دانشگاهی	۰/۵۶۶	۰/۲۵	۰/۰۷۳
وظیفه شناسی	حوزوی	دانشگاهی	۱/۷۳۸*	۰/۲۵	۰/۰۰۰
		حوزوی - دانشگاهی	۰/۵۸۵	۰/۳۳	۰/۲۴۰
	دانشگاهی	حوزوی	-۱/۷۳۸*	۰/۲۵	۰/۰۰۰
		حوزوی - دانشگاهی	-۱/۱۵۴*	۰/۳۱	۰/۰۰۱
	حوزوی - دانشگاهی	حوزوی	-۰/۵۸۵	۰/۳۳	۰/۲۴۰
		دانشگاهی	۱/۱۵۴*	۰/۳۱	۰/۰۰۱

متغیرها	گروه (I)	گروه (J)	(I-J)	انحراف معیار	سطح معناداری
ثبات هیجانی	حوزوی	دانشگاهی	*۰/۹۵۱	۰/۲۵	۰/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	-۰/۱۷	۰/۳۳	۰/۹۸۸
	دانشگاهی	حوزوی	*-۰/۹۵۱	۰/۲۵	۰/۰۰۰
		حوزوی-دانشگاهی	*-۱/۲۶۸	۰/۳۰	۰/۰۰۰
	حوزوی-دانشگاهی	حوزوی	۰/۳۱۷	۰/۲۳	۰/۹۸۸
		دانشگاهی	*۱/۲۶۸	۰/۳۰	۰/۰۰۰
گشودگی به تجربه	حوزوی	دانشگاهی	*۰/۷۳۰	۰/۲۳	۰/۰۰۴
		حوزوی-دانشگاهی	-۰/۲۵۸	۰/۳۰	۱/۰۰۰
	دانشگاهی	حوزوی	*-۰/۷۳۰	۰/۲۳	۰/۰۰۴
		حوزوی-دانشگاهی	*-۰/۹۸۸	۰/۲۸	۰/۰۰۱
	حوزوی-دانشگاهی	حوزوی	۰/۲۵۸	۰/۳۰	۱/۰۰۰
		دانشگاهی	*۰/۹۸۸	۰/۲۸	۰/۰۰۱

*P ≤ ۰/۰۵

نمره زیرمقیاس برون‌گرایی در سه گروه پاسخ‌گویان با هم تفاوت معناداری ندارد. نمره زیرمقیاس توافق در گروه پاسخ‌گویان حوزوی بیش‌تر از گروه پاسخ‌گویان دانشگاهی است. نمره این زیرمقیاس در دو گروه حوزوی و حوزوی-دانشگاهی و دو گروه حوزوی-دانشگاهی و گشودگی و دانشگاهی با هم برابر است. نمره سه زیرمقیاس وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و گشودگی به تجربه در گروه‌های حوزوی و دانشگاهی-حوزوی از گروه دانشگاهی بیشتر است اما بین دو گروه حوزوی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد. فرضیه سوم: بین میزان رضایت از زندگی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

جدول ۸: شاخص‌های توصیفی رضایت از زندگی به تفکیک گروه پاسخ‌گویان

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آزمون شاپیرو ویلک	سطح معناداری
رضایت از زندگی	حوزوی	۲۱/۲۹	۷/۶۰	۰/۰۰	-۰/۸۳	۰/۹۸	۰/۰۰۰
	دانشگاهی	۲۰/۸۲	۶/۹۸	۰/۰۴	-۰/۷۱	۰/۹۸	۰/۰۰۰
	حوزوی دانشگاهی	۲۰/۰۰	۶/۸۶	۰/۱۵	-۰/۶۵	۰/۹۸	۰/۰۷۹

اطلاعات جدول ۸ آمارهای توصیفی متغیر رضایت از زندگی را به تفکیک گروه پاسخ‌گویان و نتیجه آزمون نرمال بودن توزیع نمره‌ها (شاپیرو ویلک) نشان می‌دهد. سطح معناداری آزمون شاپیرو ویلک نشان می‌دهد که فرض نرمال در گروه‌های پاسخ‌گویان حوزوی و حوزوی-دانشگاهی رعایت نشده است. با توجه به این‌که حجم نمونه در گروه‌ها بزرگ است این تخطی

از نرمال بودن می‌تواند ناشی از این حجم بزرگ نمونه‌ها باشد. برای بررسی این موضوع از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شده است. از آن جایی که میزان کشیدگی و کجی در همه گروه‌ها بین ۲- و ۲+ است، می‌توان فرض نرمال بودن را پذیرفت و تحلیل‌های پارامتریک را انجام داد.

جدول ۹: جدول آنالیز واریانس

اثرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
بین‌گروهی	۱۴۹/۲۳۸	۲	۷۴/۶۱۹	۱/۴۵۳	۰/۲۳۴
درون‌گروهی	۴۱۹۴۳/۵۲۷	۸۱۷	۵۱/۳۳۸	-	-
جمع	۴۲۰۹۲/۷۷۶	۸۱۹	-	-	-

نتایج مربوط به برابری واریانس نشان داد که آماره لوین به لحاظ آماری معنادار نیست ($F=۲/۱۶۸, P=۰/۱۱۵$)، در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها برقرار است. نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد اثر گروه‌ها معنادار نیست. به عبارت دیگر مقدار رضایت از زندگی پاسخ‌گویان سه گروه مختلف با هم برابر است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل آماری داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد میانگین نمره پاسخ‌گویان حوزوی در هر سه متغیر بالاتر از میانگین نمره دانشجویان است. البته در برخی از زیر مؤلفه‌ها نمره پاسخ‌گویان دانشگاهی از دو گروه دیگر بالاتر است و از سوی دیگر برخی نتایج همسو و برخی دیگر ناهمسو با نتایج سایر تحقیقات است. از این رو ضروری است هر سه متغیر با تمام زیر مؤلفه‌ها را بررسی نماییم.

تفسیر نتایج مربوط به فرضیه اول: بین جهت‌گیری مذهبی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

نتایج به دست آمده از جدول ۲ نشان می‌دهد که نمره کل جهت‌گیری مذهبی پاسخ‌گویان حوزوی ($۵۵/۶$) بیشتر از همین نمره در بین پاسخ‌گویان دانشگاهی ($۴۷/۸$) است و پاسخ‌گویان حوزوی-دانشگاهی با نمره کل ($۵۴/۸$) در رتبه دوم قرار دارند. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد هر سه زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی به گروه پاسخ‌گویان وابسته است. در زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی و حوزوی-

دانشگاهی، بیشتر از نمره پاسخ‌گویان دانشگاهی است. در زیرمقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی فردی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی از دو گروه دیگر بیشتر است. در زیرمقیاس جهت‌گیری بیرونی اجتماعی، نمره پاسخ‌گویان حوزوی - دانشگاهی از نمره دو گروه دیگر بیشتر است و نمره دو گروه پاسخ‌گویان دانشگاهی و حوزوی با هم برابر است. بنابراین، اولین فرضیه پژوهش تأیید شد. نتایج پژوهش حاضر همسو با تحقیقات علی‌انساب (۱۳۸۹)، کوثری (۱۳۸۷)، حیدری (۱۳۸۲) و اکبری (۱۳۸۲) است.

در تفسیر و تحلیل این فرضیه می‌توان گفت ایمان و باورهای دینی گرچه خود از سنخ نگرش و شناخت‌اند، اما بر نوع انگیزش و شناخت‌های دیگر اثر دارند. ایمان قوی و باور به حضور و نظارت خدای تعالی و سرانجام زندگی می‌تواند تعیین‌کننده انگیزه‌ها و نیت‌های فرد باشد. شخصی که عالم را محضر خدای تعالی می‌داند و قیامت باور است انگیزه‌هایش به احتمال بیش‌تر درونی خواهد بود و هر چه نگاه دنیوی‌تر باشد، احتمال بیش‌تری وجود دارد که نیت و قصدها ناظر به اهداف دنیوی گردد. از این رو به طور طبیعی انتظار می‌رود در جامعه و نمونه‌ای که براساس نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌های همسودارای دینداری، باورمندی و پایبندی مذهبی بالاتری است، جهت‌گیری مذهبی درونی باشد. بالعکس در گروهی که باورها و اعتقادات در سطح پایین‌تری قرار دارد، انتظار می‌رود جهت‌گیری مذهبی بیرونی باشد. توجه به این نکته ضروری است زیرا منبع کنترل درونی و بیرونی یا انگیزش درونی و بیرونی به صورت مستقیم با بهداشت و سلامت روان ارتباط دارد و بر ابعاد شخصیت اثرگذار است. بنابراین دور از انتظار نیست که هر چه جهت‌گیری مذهبی از درونی به سمت بیرونی فردی و بیرونی اجتماعی تمایل داشته باشد به همان نسبت از نمره بهداشت، سلامت روان، شخصیت و رضامندی کلی کاسته شود. به گفته آلپورت، دین‌داری نابالغ (بیرونی) با سلامت روان رابطه منفی و دین‌داری بالغ (درونی) با سلامت روان رابطه مثبت دارد. او تأکید می‌کند در جهت‌گیری دینی درونی، خود دین، هدف است و فرد ارزش‌ها و آموزه‌های دینی را درونی می‌کند، در حالی که در جهت‌گیری دینی بیرونی، دین ابزاری برای رسیدن به هدف‌های دیگر همچون آرامش، امنیت، مقام و موقعیت اجتماعی است (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). به نظر می‌رسد علت این تفاوت در نمره به انگیزه سه گروه پاسخ‌گویان در دینداری خود مربوط است. توجه حوزویان بیشتر معطوف به جنبه‌های درونی و اخروی دینداری است و دو گروه

دیگر متوجه پیامدهای مثبت دنیوی دینداری هستند.

تفسیر نتایج مربوط به فرضیه دوم: بین عوامل شخصیتی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی - دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

نتایج به دست آمده از جدول ۵ نشان می‌دهد میانگین نمره پاسخ‌گویان حوزوی در ۵ عامل شخصیت ۱۴/۴۸، پاسخ‌گویان دانشگاهی ۱۳/۶ و پاسخ‌گویان حوزوی - دانشگاهی ۱۴/۲۲ است. نتایج به دست آمده از این جدول هم‌چنین نشان می‌دهد که نمره هر سه گروه پاسخ‌گویان در زیرمقیاس برون‌گرایی با هم تفاوت معناداری ندارد. نمره سه زیرمقیاس وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و گشودگی به تجربه در گروه‌های حوزوی و دانشگاهی - حوزوی از گروه دانشگاهی بیشتر است اما بین دو گروه حوزوی و حوزوی - دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، دومین فرضیه پژوهش در زیرمقیاس برون‌گرایی رد و در چهار زیرمقیاس دیگر تأیید شد.

نتایج پژوهش حاضر هم‌سو با تحقیقات علیان‌سب (۱۳۸۹)، آقابابایی و همکاران (۱۳۸۹)، کوثری (۱۳۸۷)، حیدری (۱۳۸۲)، اکبری (۱۳۸۲)، رحمانی (۱۳۷۹) و جانسون و همکاران (۲۰۱۱) است.

در تفسیر و تعلیل این فرضیه می‌توان گفت ایمان و باورهای دینی به عنوان یک نگرش اصلی و محوری به طور مستقیم و غیرمستقیم بر همه ابعاد شخصیت افراد اثرگذارند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). مذهب شامل رهنمودها و ارائه‌دهنده‌ی سامانه باورها و ارزش‌هایی است که می‌تواند زندگی را متحول سازد. از لحاظ درون‌فردی، اعمال مذهبی، فرد را قادر می‌سازند تا از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی خشم خود را مهار کرده، مسئولیت اعمال خود را در تعارض‌ها بپذیرد. از لحاظ بین‌فردی، اعمال مذهبی شرایطی ایجاد می‌کند که فرد در هنگام خشم به خدا توجه کند (مارش و دالوس، ۲۰۰۰). معنویت بخش مهمی از زندگی مردم را تشکیل داده، تأثیر مهمی بر سلامت و بهزیستی آنان دارد (هارتز، ۲۰۰۵، ص ۴). نتایج پژوهشی با عنوان آثار عبادت و تجارب آن بر بهزیستی عمومی در مطالعه ۵۶۰ خانواده نشان داد که بهترین پیش‌بینی‌کننده بهزیستی افراد، فراوانی عبادت و تجارب ناشی از آن است (بشلیده، ۱۳۸۲). همچنین عبادت منجر به راحتی، خوشحالی و انگیزه می‌شود که خلق را بالا برده و انگیزش و احساس هدفمندی را افزایش می‌دهد. اکبری (۱۳۸۲) در تعلیل رابطه دنیاگرایی و سلامت روان دانش‌پژوهان علوم دینی و دانشجویان نوشته است: علم غذای روح است و علوم اسلامی

باعث طهارت، نورانیت و سلامت روانی می‌شوند.

در نهایت، با توجه به میانگین نمرات سه گروه پاسخ‌گویان در ۵ عامل شخصیت و بالاتر بودن نمره جهت‌گیری مذهبی در پاسخ‌گویان حوزوی، می‌توان گفت ایمان و باورهای دینی، اعتقادات مذهبی، اهتمام به تعالیم و آموزه‌های نظری و عملی دین، تهذیب نفس، طهارت و خلوص بیشتر در اعمال عبادی (جهت‌گیری مذهبی درونی)، فراوانی برگزاری درس‌های اخلاق و مراسم مذهبی، همایش‌های دعا و نیایش، جشنواره‌های مرتبط با مسائل دینی و اعتقادی در حوزه‌های علمیه و در نهایت ماهیت و نوع دروس حوزوی می‌تواند از عوامل بهبود و افزایش نمره عوامل شخصیت در پاسخ‌گویان حوزوی و حوزوی-دانشگاهی باشد.

تفسیر نتایج مربوط به فرضیه سوم: بین میزان رضایت از زندگی پاسخ‌گویان حوزوی، دانشگاهی و حوزوی-دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

نتایج به دست آمده از جدول ۸ نشان می‌دهد نمره پاسخ‌گویان حوزوی در رضایت از زندگی ۲۱/۲۹، پاسخ‌گویان دانشگاهی ۲۰/۸۲ و پاسخ‌گویان حوزوی-دانشگاهی ۲۰ است. گرچه نمره پاسخ‌گویان حوزوی از دو گروه دیگر بالاتر است، نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد تفاوت معنادار نیست؛ بنابراین، سومین فرضیه پژوهش رد شد.

نتایج پژوهش در این بخش با پژوهش میرخان چریک‌آباد (۱۳۹۳) که نشان داد بین نگرش دینی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد، هماهنگ است. هم‌چنین با پژوهش آقابابایی و همکاران (۱۳۹۳) همسوست که نشان داد دین‌داری نقش اندکی در پیش‌بینی بهزیستی روانی و زیرمقیاس‌های آن در دانش‌جویان ایرانی و لهستانی دارد (آقابابایی و بلچنیو، ۱۳۹۳).

اما نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های فراوانی مانند تمنایی فرو و منصوری نیک هم‌سویی ندارد. آنان در پژوهشی بر ۲۵۰ دانشجوی دختر و پسر نشان دادند که رضایت از زندگی با بهزیستی معنوی و معنویت رابطه معناداری (۰/۱۷) دارد (تمنایی فرو و منصوری نیک، ۱۳۹۲).

در تفسیر و تحلیل این فرضیه می‌توان گفت گرچه پژوهش‌ها رابطه بین دین‌داری و رضایت از زندگی را گزارش کرده و اظهار داشته‌اند که دینداری با دو سازوکار مسأله‌مدار و هیجان‌مدار موجب سازگاری و رضایت از زندگی بیشتر می‌شود، این به معنای پیش‌بینی صددرصدی نبوده و در رضایت از زندگی عوامل گسترده دیگری از جمله عوامل درونی و بیرونی، جسمی، روانی، معنوی و مانند آن تأثیر دارد که هر کدام می‌توانند به نوعی آن را تقویت یا تضعیف

نمایند. از سوی دیگر، براساس نتایج جدول ۸ میانگین رضایت از زندگی در گروه پاسخ‌گویان حوزوی ۶۱ درصد، دانشگاهی ۵۹ درصد و حوزوی-دانشگاهی ۵۸ درصد است و نتایج تحقیق، میزان رضایت از زندگی بالایی را برای سه گروه پاسخ‌گو نشان نداده است. بنابراین می‌توان گفت به نظر می‌رسد در نمونه پژوهش حاضر، نتایج بیشتر تحت تأثیر عوامل بیرونی همچون وضعیت اقتصادی، اشتغال، تحصیل، مسکن، ازدواج می‌باشد.

در تفسیر و تعلیلی دیگر می‌توان گفت از آن‌جا که مقیاس رضایت از زندگی جنبه شناختی شادکامی (شادکامی ذهنی) را می‌سنجد و نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان تا چه حد از زندگی خود راضی‌اند و آن را به آن زندگی آرمانی که برای خویش در نظر گرفته‌اند نزدیک می‌دانند. از سوی دیگر، جامعه هدف این پژوهش، طلاب و دانشجویان در حال تحصیل هستند که خود را در میانه راه دیده و فاصله با زندگی آرمانی و اهداف را زیاد می‌دانند؛ از این رو به طور طبیعی رضایت از زندگی و شادکامی را پایین گزارش کرده‌اند و نمی‌توان این نتیجه را به عدم تأثیر جهت‌گیری مذهبی، معنویت و عوامل شخصیتی در رضایت از زندگی مربوط دانست.

علاوه بر تفاسیر بیان شده باید گفت نتایج تحقیق در مورد فرضیه سوم نشان داد، پرسش‌نامه رضایت از زندگی دینر (۱۹۸۵) برای مقایسه گروه‌ها اعتبار ندارد و این ابزار نمی‌تواند تفاوت میان گروه‌ها را بسنجد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود زمانی که هدف تحقیق، مقایسه گروه‌ها است از ابزارهای دیگری استفاده شود.

از محدودیت‌های این پژوهش، هم‌گنی جامعه و نمونه آماری بود. به نظر می‌رسد دانش‌جویان ساکن شهر قم، به واسطه تماس با افراد و اماکن مذهبی، از جهت‌گیری دینی بهتری برخوردارند. علاوه بر این، افرادی که در این پژوهش همکاری کردند، از سطوح بالایی جهت‌گیری دینی برخوردار بودند؛ در نتیجه مقایسه واقعی دو گروه طلاب و دانش‌جویان در متغیر رضایت از زندگی ممکن نشد. پیشنهاد می‌شود فرضیه‌های این پژوهش در نمونه‌های ناهمگن‌تر، تکرار شود. همگونی زیاد جامعه، مانع معناداری روابط و مقایسه واقعی پاسخ‌گویان می‌شود (ر.ک. دلاور، ۱۳۹۳). از محدودیت‌های دیگر این پژوهش کوتاهی مقیاس‌ها بود. مناسب است در آینده از مقیاس‌های بلندتر و دقیق‌تر مانند نئو ۲۴۰ سؤالی و پرسش‌نامه رضایت از زندگی با گویه‌ها و زیرمقیاس‌های بیشتر استفاده شود تا امکان مقایسه واقعی‌تر فراهم آید. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر جامعه هدف در سه متغیر مذکور با ابزارهای

اسلامی و بومی ارزیابی شوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، فاطمه و میرزا حسینی، حسن. (۱۳۹۳)، رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی در بین زنان مجرد و متاهل شهر قم، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۳)، ۸۷.
۳. اکبری، الله‌رضا. (۱۳۸۲)، *رابطه دنیاگرایی و سلامت روان دانش‌پژوهان علوم دینی و دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. آذربایجانی، مسعود؛ سالاری‌فر، محمدرضا؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد و موسوی اصل، سیدمهدی. (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. آقابابایی، ناصر؛ فراهانی، حجت‌الله و تیبیک، محمدتقی. (۱۳۹۱)، *رابطه قدردانی از خدا با عامل‌های شخصیت، بهزیستی و سلامت روانی*، روان‌شناسی و دین، ۱۰ (پیاپی ۱۷).
۶. آقابابایی، ناصر و بلچنیو، آگاتا. (۱۳۹۳)، *رابطه میان مدل شخصیتی هگزاکو، دین‌داری و بهزیستی فاعلی در دانش‌جویان ایرانی و لهستانی*. *روان‌شناسی معاصر*، ۱ (پیاپی ۱۷).
۷. آقابابایی، ناصر. (۱۳۸۹)، *نقش احساس قدردانی در رضایت از زندگی*، *مجله روان‌شناسی و دین*، ۱۱، ۳۹-۵۲.
۸. آقابابایی، ناصر؛ ارجی، اکرم و بلچنیو، آگاتا. (۱۳۹۳)، *رابطه مدل شخصیتی هگزاکو با جهت‌گیری دینی و بهزیستی روان‌شناختی و فاعلی در ایران و لهستان*، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸(۱۴)، ۳۳.
۹. باقریان، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). *بازخورد دانشجویان و طلاب نسبت به حقوق زن در اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۵)، *رابطه تاب‌آوری و کیفیت دوستی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان*. *ره‌یافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۷ (پیاپی ۲۵)، ۱۴۵.
۱۱. بشلیده، کیومرث. (۱۳۸۲)، *بررسی عوامل مؤثر درون‌مدرسه‌ای جذب دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان خوزستان به نماز*، علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ش ۱۰، ۶۳-۹۰.
۱۲. بیانی، علی‌اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد و گودرزی، حسینیه. (۱۳۸۶)، *اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی*، فصلنامه *روان‌شناسان ایرانی*، ۳ (۱۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
۱۳. بیرامی، منصور و قلی‌زاده، حسین. (۱۳۹۰)، *عامل‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده افسردگی و رضایت از زندگی*، *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه*، ۲۲(۲)، ۹۲.
۱۴. پسندیده، عباس. (۱۳۸۹)، *رضایت از زندگی*، قم: نشر دارالحدیث.
۱۵. تاج‌آبادی هرات، جعفر. (۱۳۹۱)، *اثربخشی آموزش مولفه‌های هوش معنوی بر عزت‌نفس و سازگاری دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر هرات*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۱۶. تمنایی‌فر، محمدرضا و منصور نیک، اعظم. (۱۳۹۲)، *پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس رگه‌های شخصیتی، حمایت اجتماعی و بهزیستی معنوی*. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روان‌شناسی دانشگاه تبریز)*، ۸(۲۹)، ۶۷.
۱۷. تمنایی‌فر، محمدرضا و منصور نیک، اعظم. (۱۳۹۳)، *ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی با عمل‌کرد تحصیلی دانش‌جویان*. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۰(۷۱)، ۱۴۹.
۱۸. حسین دخت، آرزو؛ فتحی‌آشتیانی، علی و تقی‌زاده، محمدحسین. (۱۳۹۲)، *رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی*. *روان‌شناسی و دین*، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، ۵۷-۷۴.
۱۹. حمیدی، نگار. (۱۳۹۳)، *رابطه رضایت از زندگی با شادکامی و بهداشت روانی سالمندان*، کارشناسی ارشد. *غیردولتی - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی*.
۲۰. حیدری، مجتبی. (۱۳۸۲)، *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت زناشویی*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۱. خدابخش پیرکلانی، روشنک؛ کلانی، نیلوفر و پیوسته‌گر، مهرانگیز. (۱۳۹۳)، رابطه رضایت از زندگی و عوامل برون‌گرایی شخصیت در آزمون‌های نئو و آیزنگ در دانش‌جویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌های تهران. *مطالعات روان‌شناختی*. ۱۰۱، (۴): ۱۰.

۲۲. دلاور، علی. (۱۳۹۳)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. (ویرایش چهارم)، تهران: نشر ویرایش.

۲۳. رحمانی، حجت‌الله. (۱۳۷۹)، مقایسه سطوح اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان مدارس دینی (طلاب) و مدارس عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۴. رستمی، محمد؛ هاشمی، تورج و محمود علیلو، مجید. (۱۳۹۲)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، حمایت اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی در افراد اقدام‌کننده به خودکشی و گروه‌گواه. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه*، ۲۴ (۱۲)، ۱۰۱۶.

۲۵. زارعی توپخانه، محمد، زهیری هاشم‌آبادی، علی و صفورایی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه جنسیت با ابعاد روان‌آزردگی، روان‌گسستگی، برون‌گرایی و رضایت از زندگی. *بژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲ (۳)، ۱۱۵.

۲۶. سلیمانی ابهری، هادی و سلیمانی ابهری، صدیقه. (۱۳۹۳)، موضع علم و قرآن درباره «خودپنداره» و «حرمت خود» و تأثیر آن بر سلامت جسم. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ۲۲، ش ۹۰: ۱.

۲۷. شهراهی فراهانی، لیلا و فرح بخش، کیومرث. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران.

۲۸. شیبانی، حسین؛ نریمانی، محمد و محرمی، جعفر. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با صفات شخصیتی در دانش‌جویان دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور شهرستان دامغان. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*. ۵ (پیاپی ۱۴)، ۵۵.

۲۹. عبد یوسفخانی، زینت و اکبری امرغان، حسین. (۲۰۱۴)، بررسی رابطه بین هوش معنوی و رضایت از زندگی، فصلنامه علمی - پژوهشی *بژوهش‌نامه تربیتی*، ۹، ش ۳۸: ۱-۱۶.

۳۰. عسگری، پرویز؛ حافظی، فریبا و جمشیدی، ثریا. (۱۳۸۹)، رابطه سبک اسناد و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی زناشویی در پرستاران زن شهر ایلام. *زن‌فروتن*، ۳ (۱)، ۱۷.

۳۱. علیان‌نسب، سید حسین. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه دین‌داری و اضطراب مرگ در بین دانش‌جویان و طلاب شهر قم. *روان‌شناسی و دین*، ۹، ۵۵-۶۸.

۳۲. فیست، جس و فیست، گریگوریجی. (۲۰۰۸)، *نظریه‌های شخصیت*. (سید محمدی، یحیی، مترجم)، تهران: نشر روان.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، بی‌تا، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.

۳۴. کمری سنقرآبادی، سامان، و فتح‌آبادی، جلیل. (۱۳۹۱)، بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی و امید به زندگی در میزان رضایت از زندگی. *بژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)*، ۷ (۲۸)، ۱۶۹.

۳۵. کوثری، یدالله. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه میزان دین‌داری و سطح رضامندی از زندگی در دانش‌پژوهان علوم دینی و دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۶. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: الوفا.

۳۷. موسوی، رضا. (۱۳۷۴)، بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان و کارگران شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

۳۸. میرخان چریک‌آباد، ایرج. (۱۳۹۳)، رابطه بین نگرش مذهبی، شادکامی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی در معلمان زن شهر ارومیه، کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

۳۹. وحدانی اسدی، محمدرضا؛ تنهای رشوانلو، فرهاد؛ روحانی، زهرا و مهدیان، حسن. (۱۳۹۳)، نقش پیش‌بینی‌کنندگی عوامل شخصیتی، عزت نفس و جهت‌گیری مذهبی در رفتار شهروندی سازمانی، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۵ (پیاپی ۵۵)، ۱۲۱.

۴۰. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی و نیوشا، بهشته. (۱۳۹۴)، مقایسه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در میان دانشجویان و طلاب، فصلنامه علمی پژوهشی *روان‌شناسی و دین*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی = ۳۱، پاییز ۹۴.

42. Aghababaei, N. (2012). Religious, honest and humble: Looking for the religious person within the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 53(7), 880–883
43. Allport, G. W. & M. Ross (1967), "Personal Religious Orientation and Prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology* 5, pp. 432–443.
44. Amram, J. (2005). Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership instance of transpersonal psychology.
45. Bayrami, M., Kourayem, M. A., Pouresmali, A., & Mohammadibakhs, L. (2013). The comparison of social support and religiosity in post traumatic stress disorder patients, their wives and control group. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences (J Kermanshah Univ Med Sci)*, 17(1), 68–75.
46. Jayachandran, John; Branch–Allen, Rose. (2016). Determinants of life satisfaction in Canada: A causal modeling approach. *SHS Web of Conferences*. . EDP Sciences.
47. Davis, e. b., Moriarty, G. L., Mauch, H c. (2013). God image god concept: Definitions, development and dynamiv, *Psychology of Religio and Spirituativity*, 5, 51–60.
48. Delahaij, A., Gaillard, C. & Van Dam, P. (2010). Hope and Hardiness as related to life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology*. 3(8):pp, 171–179
49. Devrimci–Ozguven, H., Kundakci, N., Kumbasar, H. & Boyvat, A. (2000). The depression, anxiety, life satisfaction and affective expression levels in psoriasis patients. *Journal of the European Academy of Dermatology and Venereology*, 14(4), 267–271.
50. Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., Griffin, S. (1985) the satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*, 49, 71–75.
51. Diener, ED. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American Psychologist*, 55, 34–43.
52. Donnellan, M. B., Oswald, F. L., Baird, B. M., & Lucas, R. E. (2006). The Mini–IPIP scales: Tiny–yet–effective measures of the Big Five factors of personality. *Psychological Assessment*, 18, 192–203.
53. Safren, Steven A. Eng, Winnie, Coles, Meredith E., Heimberg, Richard G. (2005). Domains of life satisfaction in social anxiety disorder: relation to symptoms and response to cognitive–behavioral therapy. *Journal of Anxiety Disorders*. 19(2), 143–156.
54. Goldberg, L. R. (1999). A broad–bandwidth, public domain, personality inventory measuring the lower–level facets of several Five–Factor models. In I. Mervielde, I. Deary, F. De Fruyt, & F. Ostendorf (Eds.). *Personality psychology in Europe (Vol. 7, pp. 7–28)*. The Netherlands: Tilburg University Press.
55. Gorsuch, R. L., & Hao, J. Y. (1993). Forgiveness: An exploratory factor analysis and its relationship to religious variables. *Review of Religious Research*, 34, 333–347.
56. Hill, P. C. (1999), "Religious Orientation Scale–Revised", *Measures of Religiosity*, P. C. Hill & R. W. Hood, Jr. (eds.) (Gorsuch & McPherson, 1989) (pp. 154156–), Birmingham: Religious Education Press.
57. Lam, P. Y. (2002). As the flocks gather: How religion affect voluntary association participation. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41, 405–422.
58. Prasooin, Rituparna, Chaturvedi, K. R. (2016). Life Satisfaction: A literature Review.
59. Pronk, Nicolaas P. (2016). Concordance Between Life Satisfaction and Six Elements of Well–Being Among Respondents to a Health Assessment Survey HealthPartners Employees, Minnesota, 2011. *Preventing Chronic Disease*. 13. /pcd13. 160309
60. Uslaner, E. M. (2002). Religion and civic engagement in Canada and the United States. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41, 239–254.

61. Ganson, M, & et al. (2011). Spiritual well-being as a component of health-related quality of life: the functional assessment of chronic illness therapy-spiritual well-being scale (facit-sp), *Religions*, v. 2, p .7794-; doi: 10.3390/rel2010077.
62. Koenig, H. G., Mc Cullough, M. E., & Larson, D. B. (2001). *Handbook of religion and health*, Oxford, N.Y: Oxford University press.